

دکتر مصطفی ازکیا
دکتر کاوه احسانی

● جنبه‌های اجتماعی تقسیم آب رودخانه در خوزستان ●

بخش نخست این پژوهش که به بررسی نظام آبیاری در خوزستان (رود «الله» در دشت رامهرمز) اختصاص داشت در شماره پیشین کتاب توسعه (جلد دوم) منتشر شد. این بخش عمدتاً به مطالعه ساز و کار و بررسی مرتبه‌بندی وظایف در سیستم تقسیم آب در خوزستان و جنبه‌های اجتماعی آن - پیش و پس از انقلاب - می‌پردازد.

لازم به ذکر است که این تحقیق، حاصل زحمات آقایان دکتر مصطفی ازکیا دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران و دکتر کاوه احسانی استاد جغرافیای انسانی دانشگاه «جان هاپکینز» آمریکا و کارشناس بانک جهانی در سال ۱۳۶۸ است. بخش‌های بعدی این پژوهش، پیوسته در شماره‌های آینده کتاب توسعه منتشر خواهد شد.

● بررسی نحوه تقسیم آب پیش از اصلاحات ارضی (مقایسه میداود و رامهرمز):

اراضی رامهرمز در خوزستان تا پیش از اجرای قوانین اصلاحات ارضی، تحت نظارت خوانین بختیاری بود و تقسیم آب طبق مقدار خراجی که رعایا به خوانین می دادند صورت می گرفت. هر چند جزئیات این نسلط به وضوح روشن نیست ولی این را می دانیم که به هنگام کنترل اراضی در دست تعداد معدودی از خوانین، تقسیم آب نیز مستقیماً متناسب با میزان قدرت هر خان نوسان داشته و خان مقتدرتر امکان تضمینی آب بیشتری را برای رعایای خود در اختیار داشته است. در نتیجه، خراج بیشتری را نصیب خود می کرده است.

برخلاف رامهرمز که تحت نفوذ چند خان قرار داشته است می توان به دشت میداود اشاره کرد که تنها یک خان بختیاری به نام رحمانی بر آن حاکم بوده، و خود وی رأساً و به تنهایی آب را تقسیم می کرده است. این انحصار و همچنین کنترل و قدرت سیاسی و نظامی حاصل از آن باعث شده بود که برای وی تفاوت نکند که کدام روستای دشت میداود سهم آب ببرد چون در هر صورت سهم وی محفوظ بوده است. در نتیجه در دشت میداود سیستم تعادل قوا و تقسیم آب طبق ضابطه های دائمی که ریشه بر تعادل قوا و زور داشته باشد به صورت های مختلف در نوسان بود، ناگهان در اثر دخالت دولت مرکزی و پاگذازدن یک قانون حقوقی حکم نهائی به خود گرفته و در یکی از اشکال خود منجمد و برقرار گردید. از این رو برخی از دهات و انهار که در آن مقطع خاص تاریخی از موقعیت مناسب تری برخوردار بودند در تقسیم بندی ثابت جدید نیز مورد انفاق قرار گرفته که اعتراض و تلخی این تقسیم نابرابر - که برای مثال برای روستای پاگچی وجود اسباب زیاده از سهمشان آب داد ولی روستای سرتلی را از تضمین حقا به محروم کرد - هنوز احساسات دهقانان جریحه دار است.

مصدقین جدید در این دوره از میان کدخدایان انتخاب می شدند و طبق روال سابق دو نقش عمده و اساسی در منطقه ایفاء می کردند:

- ۱) تقسیم آب انهار ۴ گانه آبیاری پس از احداث آن
- ۲) جمع آوری و بسیج نیروی کار و پول برای لایروبی و مرمت انهار که در اثر رسوب گذاری و سیل هرساله خراب می شدند. چنانچه به گفته یکی از مصدقین اسبق شهر شهریار (حسین شهاروند) شیوه بسیج نیروی کار برای لایروبی به سبک زیر صورت می پذیرفت:

«پیش از اصلاحات ارضی و حتی بعد از آن سیل می‌آمد و رودخانه قطع می‌شد و نهرها را پر آب می‌کرد و آب ول می‌رفت به رود جراحی. در آن دوره ملاکین حکومت می‌کردند و کدخدا را معین می‌کردند. مثلاً خود من کدخدای روستای یوسف‌آباد بودم. اعلام می‌شد توسط کدخدا که می‌رفت روی پشت‌بام و جار می‌زد که فردا صبح خر، گاو، بیل، کلنگ، گوال (کسبه) بردارید و بروید لایروبی نهرها و هرکس نهارش را با خود ببرد (کار و وسایل و غذا از زارع، مالک تنها چای و قند می‌داد). آن وقت به اندازه‌ای که کار بود شب و روز در رود می‌ایستادند که آن نهر مجدداً آب بگیرد. برای این کار هر خیش یا جفت گاو یک نفر کارگر می‌فرستاد.»

روشن است که در این سیستم کدخدا مصدق از قدرت قابل ملاحظه‌متکی بر خان و مالک، که امکان بسیج چنین نیروی کار وسیع و پراکنده‌ای را برای بیگاری یا کار عامل‌المنفعه جمعی بدون پاداش ملموس فردی و مزدی را فراهم می‌نمود، برخوردار بودند. سهم کدخدا را مالک از محصول سهمیه خود می‌پرداخت. سهم میرآب و مصدق از هر خیش ۵۰ - ۱۰۰ کیلو محصول به اضافه قند و چای بود که هر ساله موقع برداشت محصول پرداخت می‌شد (محصول تابستانه). در صورتی که زارعی از شرکت در لایروبی یا پرداخت حق الزحمه میرآب و مصدق امتناع می‌کرد، نسق وی در آن سال معلق گردیده و حق کشت را برای سال بعد پیدا نمی‌کرد. هر ساله در آغاز فصل کم‌آبی فرمانداری از ملاکین دعوت بعمل می‌آورد که در نشستی، چهار فرد قابل اعتماد مالک و زارعین را با عنوان مصدق انتخاب کنند. از این رو در این دوره شیوه انتخاب مصدق نسبت به دوره خوانین دستخوش تغییر شده بود مشخصات مصدق ابعان داری، مدیریت، تیزهوشی و آگاهی از امور آبیاری بوده (و هست). تفاوت آن با دوره سابق در اینجا بود که پس از اصلاحات ارضی حقوق مصدقین به تدریج توسط زارعین و نه مالکین پرداخت می‌شد و علاوه بر آن حق الزحمه بیشتر به صورت نقدی و پولی پرداخت گردیده و از صورت جنسی خارج شده بود.

● تقسیم آب پس از انقلاب

الف) مصدق: انتخاب، حقوق، وظائف:

از سال ۱۳۶۱ که هشت نفره از مالکین رامهرمز خلع مالکیت نموده،

انتخاب مصدق و تقسیم آب نیز صورت تازه ای بخود گرفته است. امروز به جای کمیته متشکله از ملاکین، مجمعی از شوراهای اسلامی تمامی روستاهای واقع در مسیر ۴ نهر اصلاح رودخانه که حقا به دارند، در اوایل مرداد ماه هر سال به دعوت مرکز خدمات کشاورزی رامهرمز و یا مشارکت نمایندگان اداره آب و برق استان و فرمانداری رامهرمز تشکیل جلسه داده و از میان خود برای هر نهر یک مصدق انتخاب می کنند، حقوق این مصدق ثابت و معادل ۱۲۰۰۰۰ ریال برای سه ماه فعالیت می باشد که خود مصدقین از دهات جمع آوری می کنند. از این رو به نظر نمی رسد مکانیزم محکمی برای جمع آوری و نظارت بر اجرت مصدق وجود داشته باشد. همین طور تضمین عدم سوء استفاده مصدق در کسب و جمع آوری وجه بیشتر از حق رسمی او وجود ندارد، که در هر دو صورت قفسه می تواند اشکال بوجود آورد. بنا به گفته یکی از زارعین مطلع منطقه «من اگر فرار بود مصدق شوم باید دزدی می کردم چون باید سه ماه گوجهام را رها کنم و اگر دزدی نکنم بهم ضرر می خورد.»

اگرچه این گفته تا حدی اغراق آمیز است ولی دینامیک موقعیت مشکل فعلی را به وضوح نشان می دهد مصدقی کاری پر زحمت و مسئولیت و گاه پر مخاطره است که زمان زیادی می برد. از سوی دیگر، تمام حساب و کتاب سهم هر نسق و سند در امر آبیاری و پرداخت حق الزحمه میرآب ها و ناتورها (که بر جوی های فرعی نظارت کرده و یا نگهدارنده شبانه روزی سرآیند) به عهده مصدق می باشد. از این رو مصدق هم در مخاطره ضرر مالی دیدن و هم صاحب امکان سوء استفاده در جمع آوری سهم نقدی حق الزحمه ها می باشد.

بعد از انتخاب، مصدقین در سرآب شمالی دشت گرد هم آمده و در بستر رود حوضی حفر نموده و ۴ نهر مساری از آن منشعب می کنند. سپس توسط علائم ثابت و غیرمنقول، مثل سنگ های بزرگ تقسیمات موجود را نشانه گذاری می کنند. اندازه گیری دهانه انهار با متر و حفر و احداث و لابروبی این انهار همگی امروزه با ماشین آلات سنگین مکانیکی انجام می گیرد. عملیات اندازه گیری فوق با حضور و نظارت نمایندگان مرکز خدمات، اداره آب و فرمانداری صورت می گیرد. مکانیزاسیون ابزار کار حفاری و احداث شبکه آبیاری تحول مهمی است که در ۱۵ ساله اخیر در منطقه رخ داده و نمونه دیگری است از تطبیق جامعه کشاورزی با امکانات جدید تأسیساتی فنی، منتهی در سطح امکانات مادی این جامعه. این تحولات روابط اجتماعی، اقتصادی جدید و تقسیمات کار فنی نوینی را در روند کار

کشاورزی به‌مراه خود به ارمغان آورده‌اند. همانطور که اشاره شد به دعوت مرکز خدمات کشاورزی و شرکت اعضای شوراهای اسلامی دهات ذینفع و برخی از مسئولین محلی مصدق‌ها برگزیده می‌شوند. معمولاً در جلسه انتخاباتی که یک اجلاس سیاسی است، قدرت‌های سیاسی متعدد در خفا و زیر ظاهر موقر جمع به مبارزه برمی‌خیزند. پیوندهای طایفه‌ای که همچنان زیربنای روابط اجتماعی هستند نقش اساسی در زد و بندها و ارانه و انتخاب کاندیدا ایفاء می‌کنند. از طرف دیگر به خاطر حساسیت منصب مصدقی افرادی که بی‌چون و چرا مورد اعتماد عموم باشند مورد انتخاب قرار می‌گیرند.

وظیفه مصدق تا حدی Routine و مشخص می‌باشد؛ تقسیم مساوی آب و نظارت بر آن و انتصاب ناتور و میرآب به‌نگام لزوم اجرای نظارت دائمی‌تر، و جمع‌آوری حق الزحمه این سه صاحب‌منصب از روستائیان دارای حقا به در طی مسیر نه‌ری که بر آن نظارت دارد. علاوه بر این وظائف دائمی و متداول مصدق به‌نگام بروز بحران و اختلاف جدی حکم قاضی و مجری را می‌یابد. اختلافات جزئی جوی‌ها را میرآب رسیدگی می‌کند ولی از اختلافات عمده‌تر میانجی‌گری و حکم مصدق بر میرآب ارجح می‌باشد. این نکته مهمی است چون عمده اجحافات و اختلافات در بین دهات و جوی‌های فرعی رخ می‌دهد و آب دزدی و نزاع بیشتر مختص میان آب است تا سرآب و در صورت بالا گرفتن اختلاف مصدقین ایندست رودخانه طبق درخواست رسمی می‌توانند در حل نزاع آنها شرکت کرده و به حل و فصل دعوا پردازند.

● احداث شبکه

پس از انتخاب مصدق بستر رودخانه را با بلدوزر صاف می‌کنند. که حرکت آب یکسان گردد. حوضی به مساحت 100×100 متر ساخته و ۴ دهانه مترآز شده و به اندازه هم (باستثنای نهر بورشاهی که دهانه وسیعتری به علت حمل آب شرب شهر دارد) حفر نموده و از حوض منشعب می‌نمایند. سپس در دو طرف دهانه هر نهر و کف آب سنگ‌های بزرگ ساکن به عنوان علامت و نشانه گذاشته می‌شود. بر اجرای این عملیات نماینده آب و برق اهواز و مرکز خدمات کشاورزی رامهرمز نظارت می‌کنند.

چنانچه مذکور افتاد عمده اختلافات، میان دهات و در جوی‌های فرعی رخ می‌دهد. آبدزدی و تضاد میان موقعیت مناسب جغرافیایی و مکانی از

یک سو و استفاده از زور و قدرت و هشیاری برای خنثی کردن موقعیت جغرافیایی توسط رقبا از سوی دیگر، می تواند به درگیری و نزاع بیانجامد. قاعدتاً میرآب باید میانجی و نگهبان و حلال این اختلافات باشد ولی به علت ضعف ارگان های دولتی، میرآب ها از حمایت چندانی برخوردار نیستند و در نتیجه تعادل قوای طرفین نزاع بیشتر حلال مشکل است تا قدرت اجرایی میرآب و مصدق. به نظر می رسد که احداث شبکه های ثابت سیمانی و سر پوشیده، نه تنها از انلاف جدی و زیاد آب جلوگیری می کند، بلکه ریشه اکثر اختلافات فوق را نیز از میان برمی دارد. منصب میرآبی داوطلبی است و به پیشنهاد مصدق صورت می گیرد ولی اعمال قدرت نقش مهمی در این انتصاب دارد و آبادی که از قدرت بیشتری برخوردار باشد می تواند میرآب مورد نظر خود را به روستاهای کم قدرت تر تحمیل کند. که در این صورت به هنگام بروز اختلاف میرآب از آنها حمایت کند.

● حقوق و اجرت مصدق

هر چند که به این موضوع پرداخته شد اما در اینجا فقط اضافه می شود که در شبوه جمع آوری اجرت توسط مصدق می تواند منجر به احتکار و تقلب و یا عدم پرداخت دستمزد وی گردد. تنها فردی که دقیقاً می داند چه تعداد صاحب نسق و دارای حقابه از آب نهر در هر سال مشخص بهره برداری می کند مصدق است. نامبرده باید هزینه لایروبی و مرمت نهر - اجرت میرآب و نا تور و حق الزحمه خود و مخارج دیگر را محاسبه کرده و سپس از همه دهقانان صاحب نسق دریافت کند. این کار بسیار شاق و پرهزمتی است. بعنوان مثال شهر قلعه شیخ دارای ۶۰۷ خیش صاحب نسق است و مصدق نمی تواند به نک تک افراد رجوع کرده و تقاضای وجه نماید، لذا اجباراً باید از طریق شوراهای اسلامی روستاها، این کار انجام پذیرد. شکل حسابداری، یعنی این واقعیت که مخارج به تدریج و گاه ناگهانی پیش می آید و هیچگاه ثابت نیستند بر پیچیدگی اوضاع می افزاید، در نهایت صداقت و خوشنامی مصدق ضامن خوش حسابی اوست ولی باین معنی نیست که نامبرده زیان و ضرر نبیند. به علاوه مکانیزمی هم وجود ندارد که در صورت بروز اختلاف و ممانعت یک کشاورز از پرداخت سهم خود مورد پیگرد قرار گیرد و وی را مجبور به پرداخت سهمیه خود نماید. از سوی دیگر تنها رابط میان روستاهای پراکنده و دور افتاده در روستائیان اکثراً بی سواد مصدق است. از آنجا که سهم هر خیش برای امور فوق چندان

زیاد نیست، امکان تقلب و سوء استفاده بیشتر است. مثلاً در مواردی یک مصدق از هر خیش ۸۰۰ ریال دریافت کرده و مصدق دیگر در ساحل دیگر رود ۵۰۰۰ ریال از صاحبان نسق دریافت داشته است. هر چند که ممکنست این اختلاف تا حدی بستگی به استخدام ناتور و میرآب و مخارج ثانوی دیگر نیز دارد، اما در هر صورت امکان تقلب و موقعیت در کلاهیری را نمی‌توان به‌طور کلی مردود شمرد. از اینرو به نظر می‌رسد که اگر نقش مصدق را تقلیل داد و صندوقی دایر کرد که به‌طور یکسان توسط دولت از همه دهقانان صاحب نسق سهام ثابتی جمع گردد و در حساب بانکی نگهداری نمود و از این حساب، مخارج را با نظارت یک نفر از کارکنان مرکز خدمات کشاورزی پرداخت کرد می‌تواند تا حدودی راهگشا باشد.

● ناتور، وظائف و حقوق

بعد از علامت گذاری، مصدقین افرادی را به عنوان ناتور انتخاب کرده که در ابتدای نهر سکونت گزینند. وظیفه این افراد مراقبت شبانه‌روزی از آب هر نهر و مقسم‌های سرآب می‌باشد. در برخی مواقع انتخاب ناتور تحت فشار و نفوذ روستاهای پایین دست قرار می‌گیرد که نگران آب دزدی و سوء استفاده دهات سرآب از موقعیت جغرافیایی خود می‌باشند و گاه حاجت ناتور نیست. با این ترتیب ناتور نمایانگر اعمال قدرت روستاهای پایین آب در برابر موقعیت جغرافیایی روستاهای سرآب می‌باشد و از این جهت ناتور شغلی مهم و اساسی است.

آب موجود در هر نهر بر حسب گردش آب در میان قطعات مختلف توزیع می‌شود و بعد از طی یک گردش کامل بر اثر قطعه نخست باز می‌گردد. کشت‌های تابستانی از قبیل برنج، گوجه، خیار، بذرک نیاز به آبیاری فراوان و مداوم دارد و هر گونه وقفه درازمدت در آبرسانی منجر به افول میزان محصول و حتی نابودی آن می‌گردد. در آبیاری از طریق نهر آب دزدی به آسانی و کرات رخ می‌دهد. چون میزان محصولات پر درآمد فوق بستگی مستقیم به مقدار آب موجود دارد، کشاورزانی که از موقعیت جغرافیایی بهتری برخوردارند، می‌توانند به راحتی با سد معبر نهر آب روان را خارج از نوبت به مزرعه خود برگردانند. روستاهای پایین آب چندین کیلومتر تا سرآب فاصله دارند تا بفهمد که آب قطع شده و برای رسیدگی و سرکشی از طریق جاده‌های ناهموار و خاکی و با فقدان وسیله نقلیه به هر ترتیبی خود را به سرآب برسانند و تمام

مسیر طولانی و پر پیچ و خم نهر را برای آب دزدی بازرسی کنند، زمان زیادی از دست می دهند که طی آن آب به مزرعه سارق رفته و در عوض محصول آنان در مضیفه و خطر نابودی فرار می گیرد.

اثبات گناه و تفصیر آب دزد همواره مشکل است. به عنوان مثال، گاه خود روستائیان پایین آب با سدمبر در بالا آب و سپس شکایت به ژاندارمری، روستاهای بالا دست را مقصر قلمداد می کنند از این رو یک کشاکش دائمی قدرت وجود دارد، به طوری که حضور ناتور و میرآب را نا هنگامی که کانال های سیمانی و ثابت و ترجیحاً سرپوشیده آبیاری احداث نشده اند، اجتناب ناپذیر می کند.

ناتور در مقابل قانون و مصدق مسئول است که حافظ دائم تقسیم بندی سرآب باشد و اگر سرآب دچار اختلال شود ناگزیر از پاسخگویی است. ناتورها از دو گروه از کشاورزان انتخاب می شوند: یا افراد بی بضاعت ولی خوشنام که زمین به اندازه کافی ندارند و ناگزیر از کارگری هستند این افراد دو الی سه ماه تابستان را در چادری که در سرآب تعبیه شده است به طور شبانه روزی کشیک می دهند و یا از آن دسته از کشاورزان مفتدیری که مورد اعتمادند و محل زندگیشان در سرآب است.

باید به این نکته توجه داشت که وجود ناتور در سر هر نهر و هر ساله ضروری نیست و تنها مواقعی که نیاز به وجود ناتور احساس می شود فردی توسط مصدق به این سمت برگزیده می شود اگرچه به طور فرضی، هر نهر و حتی هر جوی می تواند ناتور مستقلی برای خود استخدام کند. وضعیت ناتور بین دو نهر سرطا و پورشاهی تا حدی روشن کننده است، زیرا در این انهار مناصب مصدقی و ناتوری را دو نفر انجام می دهند که هر دو از روستاهای زیررزد بوده، اما در سرآب زندگی می کنند و از قدرت و منزلت اجتماعی بالایی برخوردارند. بلکه از این دو نفر در عین حال هم مصدق و هم ناتور است (در عین حال برای مقام سرطایفگی «کلاه کجها» کاندید است). در این مورد خاص، علیرغم اختلافات متعدد، کسی از روستاهای پایین دست حاضر نیست به سرآب آمده و در بیابان اتراق نماید، به گفته افراد شاکی پایین آب «از اینها بهتر کسی نیست و هرچه باشد امین هستند و مورد اعتماد» این دور نفر مشترکند تضمین می دهند که اگر سرآب دچار مشکلی گردید، و احياناً میزان آب به دلیل آب دزدی نوسان پیدا کرد، مسئولیت دارند، در حالی که دو نهر شهر یاری و قلمه شیخ مشترکاً یک ناتور مورد اعتماد دارند که به سرآب هر دو

نهر رسیدگی می کنند. میزان حقوق و دستمزد ناتور معادل ۷۰۰۰۰ ریال است که برای دو یا سه ماه کار توسط مصدق از صاحبان نسق و دارندگان حبابه در کلیه روستاهای مسیر نهر (یا انهار) جمع آوری می گردد.

● میرآب، وظائف و حقوق

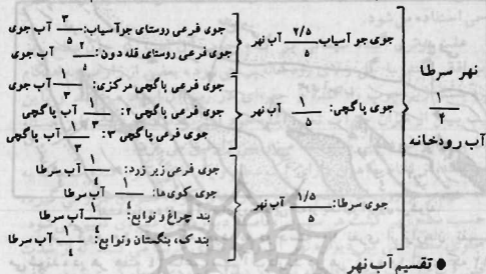
به غیر از مصدق و ناتور منصب سومی نیز وجود دارد که به نام میرآب خوانده می شود. نامبرده نیز در تقسیم آب نقش عمده ای ایفاء می کند. قاعدتاً این سه منصب از یکدیگر تفکیک شده هستند ولی در عمل میرآب می تواند نقش ناتور را نیز ایفاء کند و حتی مصدق نیز باشد. مثلاً فردی که قبلاً از او نام برده شد که در زیر زرد مصدق و ناتور است در عین حال میرآب روستای زیر زرد نیز هست. جایی که مصدق نوعی مدیر و هدایت کننده تقسیم آب در رودخانه و ناتور نگهبان و حافظ دائم این تقسیم در سرآب می باشد، میرآب مسئولیت تقسیم آب یک جوی منتسب را بهمهده گرفته، آب همان جوی را میان تمامی زارعین دارای حبابه تقسیم می نماید. بعنوان مثال، از نهر شهرباری ۳ جوی اصلی «کیمون»، «علیخان» و «سوخته» منشعب می شود که قاعدتاً در صورت لزوم هر جوی می تواند یک میرآب داشته باشد، منتهی در عمل گاه یک نهر تنها یک میرآب انتخاب می کند. میرآب از افراد روستا و به انتخاب مصدق منصوب می گردد و وظیفه نظارت بر گردش آب میان دهات سهیم در آب جوی و گردش آب میان مزارع و باغات و رسیدگی به اختلافات جزئی متعدد روزمره را بهمهده دارد.

با توجه به آنچه گذشت می توان نتیجه گرفت که هر قدر مقدار آب بیشتر و نوسانات دبی آب زراعی کمتر و روابط و قراردادهای اجتماعی باثبات تر و متقابلاً پذیرفته تر باشند حاجت به میرآب نیز کمتر می شود (همین طور مصدق و ناتور). به گفته کشاورزان یک میرآب باید دارای خصائصی نظیر ایمان، خوش فکری و خوش نظری، پر طاقتی، سخت کوشی، سازگاری و مصلحت جوئی به هنگام لزوم باشد.

اجرت و حقوق میرآب تا پیش از اصلاحات ارضی ۱ - ۲ من غله (۵۰ - ۱۰۰ کیلو) از هر خیش بود که امروزه به دستمزد پولی تبدیل شده معمولاً مصدق جمع آوری شده و بالغ بر ۲۰۰۰۰۰ ریال برای ۲ - ۳ ماه کار می گردد.

● تقسیم آب رودخانه الله در دشت رامهرمز

این تقسیم به وضوح در در تقسیم بندی ارائه شده است. آب رودخانه در سرآب از طریق یک حوضچه حفاری شده به چهار قسمت تقسیم می گردد. نیمی از کل آب رودخانه برای دو نهر بالاآب - یعنی سرطا و بورشاهی منشعب می گردد. از این کیله (یعنی یک دوم آب رودخانه) نیمی؛ (یعنی یک چهارم آب کل رودخانه) به نهر سرطا و نیمی دیگر به بورشاهی تعلق می گیرد. نهر سرطا در یک مقسم سیمانی که اکنون شکسته به صورت زیر تقسیم می گردد:



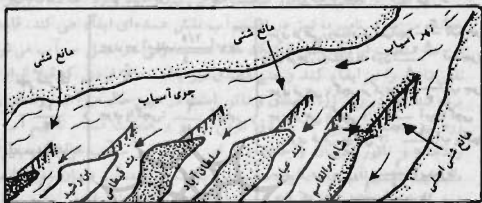
● تقسیم آب نهر

معمولاً کشاورزان چند روستا یا چند منطقه که تقریباً در مسیر آب نهر قرار دارند برای سهم بری از آب نهر بر طبق میزان زمین مزروعی که در اختیار دارند، آب را بوسیله طرحی که اصطلاحاً «لت» (لت) نامیده می شود و معمولاً با استفاده از سیمان و شن و ماسه و بلوک ساخته می شود، تقسیم می کنند. این نحوه تقسیم آب عمری نسبتاً طولانی دارد.

چنانچه قبلاً ذکر شد در هر سال در فاصله اول تا حداکثر ۱۰ مرداد، که آب رودخانه کم می شود، مصدق های روستاها شورای آبیاری تشکیل داده و نسبت به تقسیم آب اقدام می کنند نظارت هر تقسیم آب میان روستاها بعهده ناتور و میرآب ها قرار دارد. دوره گردش آبیاری ۱۲ روز یک بار است. هر روستا بر اساس میزان زمین های زراعی اهالی (بنجال Bonjal، خیش، کته) از آب سهم می برد. بعنوان مثال اراضی روستاهای بن رشید، (۲ بنجال) بنه قیطاس (۲ بنجال)، سلطان آباد (۸ بنجال)، شاه ابوالقاسم و بنه عباس (۲۳ بنجال) جمعاً ۳۶ بنجال است.

سهم هر بنجال از آب رودخانه، ۸ ساعت در هر ۱۲ روز است و به این

بر تیب سهم روستای بن رشید ۲۴ ساعت در هر ۱۲ روز است. در داخل هر روستا نیز زارعین بر اساس میزان زمین تحت تصرف از آب سهم می‌برند. در برخی از روستاها آبیاری به شیوه گروهی و دسته جمعی صورت می‌گیرد. مثلاً در روستای نزهه که از رود کوپال مشروب می‌شود، زارعین در ۶ گروه ۲۰ نفری سازمان یافته و به شرح زیر به آبیاری اقدام می‌کنند:



نقشه شماره ۵ تقسیم آب میان روستاهایی که از یک نهر آبیاری می‌شوند.

هر گروه ۲۰ نفری که خود به دو دسته ۱۰ نفری از زارعان تقسیم می‌شوند، در هر هفته ۲۴ ساعت سهم آب دارند در هر گروه ۱۰ نفری که ۱۲ ساعت سهم آب دارد، زمین‌های زراعی افراد در کنار هم و به صورت پیوسته و متصل بیکدیگر است. در واقع مبنای عضویت کشاورزان در گروه‌های ۱۰ نفری، مکان قرار گرفتن زمین کشاورزی آنهاست این امر از این جهت است که مر آبیاری تسهیل گردد. ۱۰ نفری به صورت دسته جمعی روزانه آبیاری می‌کنند هر چند در داخل گروه، میزان آب به نسبت اسناد مالکیت اصلاحات رخصی تقسیم می‌شود. این گروه‌ها شاید بتوانند مبنایی برای یکپارچه کردن کشت محصولات مختلف در داخل گروه‌های زراعی این روستا باشد.

نحوه دیگری که برای تقسیم آب متداول است، استفاده از گنده Gandeه است. گنده همان نقش‌لت را ایفا می‌کند با این تفاوت که گنده معمولاً برای تقسیم آب در کشت برنج مورد استفاده قرار می‌گیرد و عمری یک ساله دارد. زیرا محل و میزان زمین‌های زیر کشت برنج هر ساله تغییر پیدا می‌کند و به این علت هر سال برای کشت برنج، گنده‌ای جدید احداث می‌کنند.

در گذشته و هم اکنون در روستاهایی که به سیمان و مصالح دسترسی

ندارند - برای احداث گنده از چوب استفاده می شود. اما در اکثر نواحی با استفاده از سیمان و مصالح اقدام به احداث گنده می کنند. علت استفاده از چنین طرحی برای تقسیم آب، اینست که به هر کس به اندازه سهم زمین خود از آب نهر، سود ببرد. دلیل دیگر اینکه در طول دوره کاشت تا برداشت برنج، نیاز به آبیاری است و از آنجا که در تابستان آب رودخانه ها کاهش می یابد و کم آبی پیش می آید، به منظور جلوگیری از برخوردهای احتمالی میان زارعین از چنین طرحی استفاده می شود.

علت برتری گنده سیمانی بر گنده چوبی آن است که چون سطح زیر چوب افقی گنده با گل و لای رودخانه پر می شود، بعضی از زارعین به هنگام شب، بستر زیر چوب را کنده و حفره ای در زیر آن ایجاد می کنند و باین ترتیب بیش از میزان حق آب تعیین شده خود آب برداشت می کنند. این مسئله باعث بروز برخوردهایی خشونت آمیزی بین زارعین می گردد.

گنده از لحاظ ظاهری دارای یک سطح واحد افقی و تراز شده است که به تعداد سهم بر بر روی این سطح افقی، دیواره های کوتاه عمودی قرار می گیرد. بر حسب سطح زیر کشت هر سهم بر، فاصله دیواره های عمودی تعیین می شود. در جلوی سطح افقی نیز دیواره نهر آب را به نحوی مرتب می کنند که از شدت گرفتن آب در یک سهم (فاصله بین دو دیواره عمودی) جلوگیری شود. کف نهر را هم تسطیح می کنند به نحوی که آب در جلوی گنده تقریباً حالت ساکن داشته باشد و به طور عادلانه از بین دیواره های عمودی عبور کند. نقشه شماره ۵ تقسیم آب، جوی آسیاب به وسیله گنده سیمانی را بین برنج کاران نشان می دهد.

در اینجا به طور کلی و به اختصار ترسیمی از تقسیم رسمی آب رود و صاحب منصبین در گیر در آن را ارائه کردیم، در شماره های آینده این مجموعه به توصیف دقیق تر این تقسیمات می پردازیم، و سپس به مطالعه مواردی از تقسیمات جزئی تر آب خواهیم پرداخت. ■

رساله علمی و فرهنگی
مجله علمی و فرهنگی
مجله علمی و فرهنگی